

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

سبوشکن

(از خاطرات سابق)

به اقتفاء ازین شعر «یغما جندقی»

نگاه کن که نریزد، دهی چو باده به دستم
فدای چشم تو ساقی، به هوش باش که مستم

به دست خود که ز یک توبه ای سبو بشکستم
چه جامها که کشیدند و جرعه ای نچشیدم
چه بارها، که مرا دخت رز نشسته به پهلوی
چهار روزها به خرابات، دیده اند خرابم
کنون که وقت گل و جوش سنبلیست و ریاحین
به یاد لعل لب تو چه خون دل که نخوردم
چه طعنه ها، که ز مردم به عشق تو نشنیدم
چه اشکها، که به یادت نریختم ز دو دیده
چه روزها، که به سوز فراق شام نکردم

بهار را چه کنم کز بریدن است دو دستم
چه جوش گل، که گذشت و به دلبری ننشستم
چه سر نهاده به دوشم، چه دست داده به دستم
به کوی میکده هم یافتند سرخوش و مستم
اگر ز باده کشی نیستم، برای چه هستم
به تار زلف سیاهت چه آرزو که نبستم
چه شیشه ها، که ز سنگ جفا به دل نشکستم
چه رشکها، که نبردند، با تو گر بنشستم
چه شامها، که به ییاد تو تا سحر ننشستم

مکن دگر ز «اسیر» خود ای نگار تغافل

که گر ز دام تو جستم، بدان که جستم و رستم

(کابل عزیز - ۲ جوزای ۱۳۳۲ ش)